



مرکز تحقیقات اسلامی

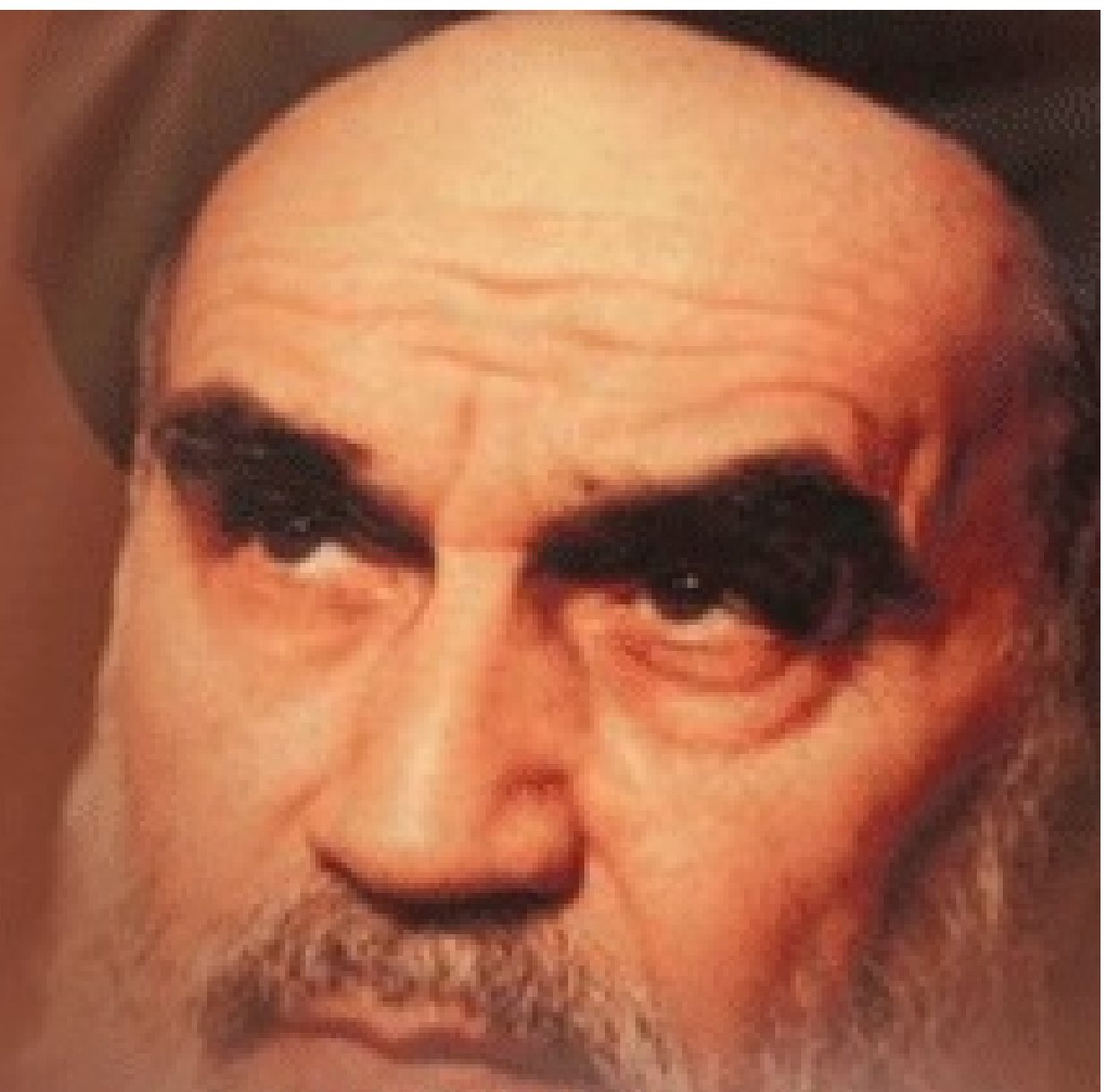
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تبیین اندیشه های
حضرت امام خمینی (ره)
در دفاع از ملل اسلامی

اصغر جعفری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تبیین اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) در دفاع از ملل اسلامی

نویسنده:

اصغر جعفری

ناشر چاپی:

دانشگاه آزاد اسلامی (تهران)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ تبیین اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) در دفاع از ملل اسلامی
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۷ مروری بر تاریخچه اندیشه حکومت جهانی
۷ اشاره
۷ اندیشه حکومت جهانی در دیدگاه متفکرین کلاسیک
۹ اندیشه حکومت جهانی در دیدگاه متفکرین معاصر
۱۲ حکومت واحد جهانی در اندیشه سیاسی اسلام
۱۲ اشاره
۱۲ اندیشه جهان شمولی اسلام
۱۳ ایجاد حکومت جهانی اسلام در دیدگاه امام خمینی
۱۵ لزوم و علل ایجاد حکومت توحیدی مبتنی بر قوانین آسمانی اسلام
۱۷ مصلح بزرگ جهانی
۱۸ نتیجه گیری
۱۹ پاورقی
۲۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تبیین اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) در دفاع از ملل اسلامی

مشخصات کتاب

شماره بازیابی: ۱۶۲۵۹-۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۴۱۳۲۳۲

پدیدآور: جعفری اصغر

عنوان و نام پدیدآور: تبیین اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) در دفاع از ملل اسلامی پایان‌نامه استاد راهنما احمد دوست

محمدمدی‌استاد مشاور علی بیگدلی مشخصات نشر: تهران ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹

شناسه افزوده: دوست محمدی احمد

شناسه افزوده: بیگدلی علی شناسه افزوده: آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز، مرکز تحصیلات تکمیلی چکیده: (۱) هدف پژوهش دستیابی به مبانی اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره و توضیح راهکارهای عملی و نظری ایشان در یکی از حوزه‌های مهم دفاعی یعنی دفاع از ملل اسلامی و مستضعف به منظور تحقق اندیشه حکومت واحد جهانی اسلام (۲) روش نمونه گیری افراد نمونه از نظر تعداد، جنس و غیره ۳- روش پژوهش با استفاده از اطلاعات تاریخی موضوع مورد نظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و آنگاه تاثیر آن اندیشه و پیامدهای آن بر ملل اسلامی و مستضعف با رویکرد بررسی گردید (۴) ابزار اندازه گیری (۵) طرح پژوهش یکی از مسائل اصلی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم نظر متفکران و سیاستمداران را به خود جلب کرد، مساله ایجاد حکومت واحد جهانی است اندیشه‌ای که همواره در طول تاریخ مطرح بوده و کوشش‌هایی از سوی نحله‌های مختلف فکری برای تحقق آن صورت پذیرفته است حضرت امام خمینی نیز به استناد حکم قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) با وارد کردن اصطلاحات سیاسی جهانی همچون استکبار ستیزی نه شرقی و نه غربی و ... در صدد برآمدند تا آن تفکر جهانشمول اسلام به تحقق برسد ۶- نتیجه کلی نگاهی گذرا به اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های حضرت امام (قدس سره در طول نهضت و حیات انقلاب این حقیقت را به خوبی روشن می‌سازد که امام رسالتی فراتر از مبارزه با رژیم شاه و رهایی ایران از چنگال استکبار جهانی داشته است بلکه هدف و آرمان اصلی ایشان ترویج و گسترش اسلام ناب محمدی (ص) تا رفع فتنه در جهان و ایجاد حکومت واحد جهانی تحت حاکمیت قانون الهی بوده است با توجه به تصویر و تعریف چنین حکومتی از سوی اندیشمندان و مکاتب الهی و غیر الهی اولاً چنین دنیایی نیاز فطری و طبیعی بشر است ثانیاً عملی و امکان‌پذیر است

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در قرن بیستم به شکل وسیعی نظر اندیشمندان و سیاستمداران را به خود جلب کرده، اندیشه‌ی حکومت واحد جهانی است. تفکری که همواره در طول تاریخ بشر مطرح بوده و تلاش‌های فراوانی از سوی نحله‌های مختلف فکری برای محقق ساختن آن صورت پذیرفته است. منشأ آن ایمانی بود که آدمی به خدای واحد و نظامی واحد داشت که باید بر کل جهان، حاکم می‌گردید. از دوران گذشته، فلاسفه و اندیشمندان با اتکا بر نظریه‌های اجتماعی نشأت گرفته از قانون طبیعت و تعلیمات مذهبی، تشکیل جوامع بزرگ - حکومت واحد جهانی - را برای نیل به وحدت نوع بشر ضروری می‌دانستند. شاید الگوی مدینه‌ی فاضله‌ی افلاطون را بتوان روشن‌ترین رابطه‌ی وابستگی متقابل انسان و جامعه و ضرورت ایجاد نظم و وحدت در روابط اجتماعی برای رسیدن به آرمان تأسیس حکومت جهانی به شمار آورد. یا نظریه‌ی سیاسی «سیسرون» که معتقد بود فقط یک قانون واحد یا نظامی واحد می‌بایستی بر سرتاسر کون و مکان حکم فرما باشد، و «امانوئل کانت» که می‌گفت برای رسیدن به صلح

عمومی و دوری جستن از جنگ، تشکیل دولت جهانی امری ضروری است. نگاهی به حوادث و اتفاقات به وجود آمده در طول تاریخ بشر نشان می‌دهد که تشکیل حکومت واحد جهانی همیشه بر مبنای فکر جهانی نبوده، بلکه وقتی حاکمانی پیدا شده و به قدرت رسیدند، سعی کردند سیطره‌ی خود را به لحاظ ارضی و جمعیتی و منابع، گسترش داده و حکومت و فرمان روایی واحدی را به وجود آورند. اما در این میان، آن چه آدمی را به فکر ایجاد حکومت واحد جهانی وامی داشت رسیدن به یک زندگی آرمانی همراه صلح و امنیت بود، نه جنگ و خون ریزی؛ چرا که فطرت و نهاد آدمی به وضوح صدا می‌زد که سرانجام صلح و عدالت، جهان را فرا خواهد گرفت و مصلحتی بزرگ بر جهان حاکم خواهد شد و عدالت جهانی را محقق خواهد ساخت. بر این اساس قصد نگارنده، بررسی نظریه‌های مطرح شده در رابطه با تشکیل حکومت واحد جهانی، بمنظور استقرار صلح و عدالت جهانی می‌باشد. لذا مطالب این پژوهش در دو بخش ارائه می‌شود. بخش اول: مروری بر تاریخچه‌ی اندیشه‌ی حکومت جهانی؛ در این بخش ضمن تبیین مبانی نظری چنین تفکری، دیدگاه اندیشمندان کلاسیک و معاصر در این رابطه توضیح داده می‌شود. بخش دوم: حکومت واحد جهانی در اندیشه‌ی سیاسی اسلام؛ در این بخش ضمن تبیین دیدگاه اسلام در رابطه با ایجاد حکومت واحد جهانی و لزوم تشکیل چنین حکومتی، دیدگاه حضرت امام خمینی (رحمه الله) ارائه می‌شود.

مروری بر تاریخچه اندیشه حکومت جهانی

اشاره

اعتقاد به وجود یک کشور واحد جهانی که تمامی پهنه‌ی گیتی را شامل باشد، اندیشه‌ای بود که بشر از دیرباز به آن توجه داشته است. منشأ وحدت تمامی بشر ناشی از وجود نظم و هماهنگی کامل در جهان آفرینش است که خدای منان آن را خلق کرده و انسان نیز دریافته بود که جهت دست یابی به کمال و سعادت واقعی بایستی زندگی خود را بر مبنای یک نظم و هماهنگی‌ای پی ریزی نماید و لذا این نظم و هماهنگی را در قالب تشکیل یک نظام واحد که می‌بایستی بر کل دنیا حاکم می‌گردید، پی‌گیری نمود. مروری بر پیشینه‌ی تاریخی اندیشه‌ی حکومت جهانی، این واقعیت را نشان می‌دهد که از گذشته‌های بسیار دور زمام داران آن روزگار برای ایجاد چنین نظامی تلاش‌های زیادی را بعمل آورده‌اند. مصر که قدیمی‌ترین تمدن جهان است، دو مجموعه‌ی مستقل و متمایز از هم، به نام «مصر علیا» و «مصر سفلی» داشت که در حدود سال ۳۵۰۰ پیش از زادن مسیح وحدت یافتند و حکومت واحدی را بوجود آوردند. در بین‌النهرین هم نظیر این امر واقع شد. از «سومر» و «آکاد» دو گروه از حیث نژاد، مذهب و زبان مجزا بودند؛ اما وحدتی را بوجود آوردند که نتیجه‌ی آن ایجاد «امپراطوری بابل» بود. هم‌چنین نخستین امپراطوری که بسیار وسیع بود «امپراطوری ایران» است که همانند امپراطوری مصر و بین‌النهرین در اثر وحدت دو گروه مادها و ایرانی‌ها پدید آمده بود. [۱] اگر چه برخی پیش از تحقق وحدت و تشکیل امپراطوری، مجزا و دشمن هم بودند و لیکن بر مبنای یک نیاز فطری، با ایجاد وحدت و تشکیل حکومت واحدی توانستند در کنار یکدیگر به زندگی همراه با صلح و آرامش خود ادامه دهند. نظام‌های پدیدار جهان بوجود آمدند که دارای آرمان‌های برون‌مرزی، جهان‌شمولی و فراملی بودند. اندیشه‌ی جهان‌شمولی این نظام‌ها در ایده و تفکری نهفته است که متفکران و اندیشمندان آن‌ها، آن را خلق و ابداع کرده‌اند، و می‌تواند موجبات سازندگی، تجلی و تنعم کل سرزمین و مردمی که پذیرای آن اعتقاد، نظام و ایدئولوژی می‌باشند، را فراهم آورد. اندیشمندان و متفکران بسیاری از دیرباز اندیشه‌ی حکومت جهانی را مطرح و از آن جانبداری کرده‌اند، و حتی تلاش‌هایی را برای تحقق آن بعمل آورده‌اند. از این رو، نمونه‌هایی از آن‌ها در دو حوزه با عنوان «متفکرین کلاسیک و معاصر» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اندیشه حکومت جهانی در دیدگاه متفکرین کلاسیک

«افلاطون» در کتاب هفتم جمهوریت خود خطاب به گلا-گون سوفسطایی در زمینه‌ی شکل‌گیری مدینه اشاره به حکومت جهانی دارد که توسط «فیلسوفان» [۲] تحقق خواهد یافت. وی می‌نویسد: «جامعه‌ای که آن را وصف کردیم (یعنی مدینه فاضله) هرگز تحقق نخواهد یافت و گرفتاریهای دولتها و گرفتاریهای انسانیت هرگز پایان نخواهد یافت مگر آنکه فیلسوفان در این جهان شه‌ریار شوند یا کسانی که ما اینک ایشان را شه‌ریار و فرمانروای خود می‌نامیم به طور جدی و کافی در پی مطالعه فلسفه بروند و این دو، یعنی، قدرت سیاسی و عقل فلسفی با هم درآمیزند». [۳] بنابراین در نظام اندیشه‌ی افلاطون، حکومت جهانی همان است که وی آن را به مدینه‌ی فاضله تعبیر کرد. «ارسطو» در مبحث حکومت نیز به نوعی به حکومت جهانی اشاره دارد که می‌توان هم از طریق جنگ آن را ایجاد کرد و هم از طریق صلح. وی می‌گوید: «بعضی حکومت‌ها هدفشان گسترش سرزمین و افزایش جمعیت است و لو به صورت جنگجویانه، ولی در برخی حکومتها هدف افزایش فضیلت و خرد و کسب سعادت برای مردم به شکل صلح‌جویانه است». [۴] در واقع به نظر ارسطو تشکیل حکومت واحد میتواند زندگی خوب و سعادت‌مند را برای انسان‌ها تامین سازد. مهم‌ترین مکتب کلاسیک که اندیشه‌ی حکومت جهانی را مطرح کرد و به اروپاییان جامعه‌ی یگانه‌ی بشری را آموخت، مکتب «رواقیون» است. [۵] مکتب رواقیون که در قرن چهارم پیش از زادن مسیح توسط زنون [۶] پایه‌گذاری شده بود، دارای یک تفکر جهان‌وطنی بوده است. این مکتب فکری مخالف نژادپرستی بوده و مردم را به برابری و برادری فرامی‌خواند. [۷]. «سن‌اگوستین» [۸] یکی دیگر از اندیشمندان عصر کلاسیک است که در موضوع ایجاد حکومت جهانی مباحثی را مطرح کرده است. نویسنده‌ی کتاب «شهر خدا» [۹] دو نوع حکومت را نام می‌برد که در آن اندیشه‌ی حکومت جهانی مشهود است: نخست: حکومت دنیوی یا شهر زمینی «دولت - کشور» که در آن جهان‌داران و حاکمان صاحب اقتدار، فرمان‌میرانند و تا وقتی که آنان عدالت، امنیت و نظم را برقرار میکنند، اطاعت از ایشان وظیفه‌ی دینی است، ولی برای اعضای شهر خدا، دین وسیله‌ای است که باید از آن برای رسیدن به مقصد نهایی که صلح پایدار آسمانی است، استفاده کنند. دوم: نظام حاکم جهانی که دامنه‌ی آن، سرتاسر جهان و ملت‌ها را فرا می‌گیرد و از پیوند عشق و محبت و سازگاری عاطفی ناشی می‌شود. در قلمرو این نظام خدایی، همه‌ی بندگان خدا به طور مثبت و فعالی با هم متحد می‌شوند، و تصمیم می‌گیرند همدیگر را که آفریدگان خالقی مشترک هستند دوست بدارند و این صلح تنها به مفهوم متارکه‌ی جنگ یا زندگی همراه با همزیستی مسالمت‌آمیز که از ترس کیفرهای قانونی ناشی می‌شود، نیست. [۱۰]. سن‌اگوستین نخستین فیلسوفی است که اندیشه‌ی صلح جهانی را مطرح کرد و بحث و گفتگو درباره‌ی آن را پیش کشید. وی به یک نظام جهانی که همه‌ی جهانیان تابع و مطیع آن هستند - زیرا همه‌ی شان مطیع آفریدگاری یکتا هستند - قائل است و اندیشه‌ی صلح جهانی وی بستگی به همین نظام جهان‌گیر دارد. صلح در دیدگاه آگوستین مفهومش این است که دامنه‌ی آن آرامشی که استقرارش به نظر افلاطون فقط در داخل مرزهای یک «دولت شهری» میسر بود، چنان پهن و گسترده شود که سرتاسر جهان را فراگیرد، از آن جا که خدا انسان را مأمور کرده است که همسایه‌اش را مثل خویشتن دوست بدارد، پس بناچار عین این محبت رانسبت به زنها و بچه‌ها و دیگر اعضای خانواده و هم چنین نسبت به تمام آفریدگان دیگر خدا نیز باید داشته باشد. به این ترتیب چنین بنده‌ای در جوار صلح و آرامش و در عین سازگاری با تمام جهانیان بسر خواهد برد. [۱۱]. «سیسرون» یکی از بزرگ‌ترین سخنوران روم قدیم است که به سال ۱۰۶ پیش از زادن مسیح به دنیا آمد و ۴۳ سال پیش از به دنیا آمدن مسیح از دنیا رفت. وی دارای بینش جهانی و وسعت نظر بوده و در اغلب آثاری که از خود باقی گذاشته مستقیماً از اندیشه‌های افلاطون و ارسطو الهام گرفته است. اصل اساسی تفکر سیاسی سیسرون همان عقیده‌ی رواقیون به قانون و حقوق طبیعی است. به این معنی که فقط یک قانون واحد یا سیستمی واحد از این گونه قوانین وجود دارد که بر سرتاسر کون و مکان حکم فرماست و تمام چیزهای طبیعی ناچارند با آن قوانین تطبیق و از آن‌ها اطاعت کنند. [۱۲]. سیسرون افراد سهم در قانون را به شکل اعضای جامعه‌ای مشترک المنافع می‌نگرد و می‌گوید: افراد بشر به هر نحو که از حیث نژاد یا موقعیت جغرافیایی دولت‌های متبوعشان از هم جدا و مشخص

باشند باز به حکم طبیعت اعضای یک دولت بزرگ و مشترک جهانی هستند که علاوه بر خدایان تمام انسان‌ها را نیز در بر می‌گیرد. سیسرون وفاداری آگاهانه به این «شهر جهانی» یعنی جامعه‌ی بشری را بلندپایه‌ترین آیین اخلاقی می‌داند و در عین حال تأکید می‌کند که وفاداری به میهن و زادگاه نیز احساسی پر ارج است، ولی میان این دو گونه وفاداری منافاتی نمی‌بیند، زیرا به نظر او تعهد فرد در برابر میهن خود از تعهد او در برابر جامعه‌ی بشری ریشه می‌گیرد. [۱۳]. و بالاخره می‌توان از «توماس هابز» [۱۴] نام برد که معتقد به وجود یک حکومتداری سطح جهان بود. وی فیلسوفی است که دقت نظر و آفری در فلسفه‌ی سیاسی داشته و اندیشه‌های او در بوجود آمدن حکومت‌های غربی نقش مؤثری ایفا کرده است، و در اندیشه‌ی لیبرالیسم موجود و سازمان ملل متحد و نحوه‌ی عمل آن، رد پای تفکرهای وی را به آسانی می‌توان مشاهده کرد. نقطه‌ی شروع کاوش هابز، انسان و انگیزه‌های وی در کارهایش است. هابز اگر چه طبیعت انسان را ناشی از گرایش شدید او به کسب قدرت - که نتیجه و محصول آن جنگ و ستیز است - معرفی می‌کند، و لیکن سرشت دیگر انسان را رو به سوی صلح می‌داند. او در کتاب معروف خود «لوایتان» [۱۵] چنین می‌نویسد: «میل به آسایش و لذات حسیاز یک قدرت مشترک اطاعت کند، زیرا چنین میل‌هایی، انسان را از آن امنیتی که می‌تواند از کار و زحمت خود امید داشته باشد، محروم می‌کند، ترس از مرگ و گزند هم او را به اطاعت از قدرت مشترک و می‌دارد. میل به دانش و فنون صلح طاعت از قدرت مشترک رهنمون می‌شود، زیرا چنین میلی، شامل میل به آسودگی نیز هست و بالمال انسان را از حفاظت قدرتی غیر از قدرت خویش برخوردار می‌کند». [۱۶]. به نظر هابز تنها راه برقراری صلح این است که قدرت فائده‌ای در سطح بین دولتها ظاهر شود و هر کس را سر جای خود بنشانند. در غیاب چنین «ابر حکومتی» وضع بسیار ناامید کننده است! البته بعضی اقدامات مسکن و مقطعی مانند تشکیل اتحادیه‌ها، انعقاد عهدنامه‌ها و امثال اینها وجود دارد، اما بدون یک قدرت برتر جهانی، نه عدالت در سطح دولت‌ها معنا دارد، نه قانون، نه حق، و ناحق! صحنه‌ی جهانی درست یک جنگل پر از وحوش و درندگان را می‌ماند که هر کس برای خود کامگی خود تلاش می‌نماید و فقط جایی متوقف می‌شود که با مانع برخورد کند. این تصویر، اگر چه برای روشن فکران و مردم عادی بسیار نگران کننده است، برای دولتمردان صاحب قدرت، بسیار کارآمد از آب درآمده است. در درجه‌ی اول این تفکر توجیهی شده است برای مسلح شدن و مصرف کردن امکانات وسیع در جهت تهیه‌ی سلاح توسط حکومت‌ها، و از سوی دیگر تشنگان قدرت، تحت شعار ایجاد صلح، درصدد بسط سلطه خود برآمده‌اند [چنان که همانان] می‌گویند: برای اولین بار در تاریخ این فرصت پیش آمده است که یک حکومت در سطح جهان رهبری داشته و یک نظام جهانی مستقر شود و این به معنای صلح در سطح جهان و ریشه کن شدن تجاوز و جنگ هاست! [۱۷].

اندیشه حکومت جهانی در دیدگاه متفکرین معاصر

از نخستین متفکران معاصر که درباره‌ی اندیشه‌ی حکومت جهانی با مطرح کردن دولت جهانی مباحثی را مطرح کرد، «امانوئل کانت» است. وی در شهر کوچکی در سرزمین پروس متولد شد. تقریباً تمام عمرش را در زادگاهش به گوشه نشینی و انزوا گذراند. تنها رساله‌ای که مستقیماً با عقاید سیاسی او ارتباط دارد، رساله‌ای است با نام «طرح صلح پایدار». به همین جهت بیشتر بحث خود را به حفظ صلح عمومی و دوری جستن از جنگ اختصاص داد. وی در این رساله از اروپایی که به موجب قراردادی دایر بر منع جنگ و سربازگیری با هم متحد شوند دفاع می‌کرد. او طرفدار دولت جهانی بود و تصور می‌کرد با ظهور این دولت، جنگ از بین خواهد رفت. [۱۸]. یکی دیگر از اندیشمندانی که در رابطه با ایجاد جامعه‌ی جهانی دیدگاه‌هایی را ارائه کرد، «فیخته» [۱۹] است. وی نژاد «ژرمن» را برترین نژاد قلمداد نموده و مدعی است که آلمان‌ها تنها ملتی هستند که می‌توانند عظمت و صلح جهانی را تأمین سازند. وی اعتقاد داشت اگر روزی عقاید سیاسی او پیاده شود اروپا تحت نظر امپراطوری آلمان به وحدت خواهد رسید. [۲۰]. فیلسوف انگلیسی «برتراند راسل» نیز از جمله کسانی است که در کتاب «آیا بشر آینده‌ای هم دارد؟» ضمن

توضیح اسف بار زندگی بشر در دوران بمب اتمی و ئیدروژنی و خطرانی که او را تهدید می کند، برای رسیدن به زندگی بدون دغدغه و جنگ، تشکیل نوعی حکومت جهانی را همراه با ساختار آن پیشنهاد می کند تا بشر در سایه ی آن بتواند در صلح، صفا و آرامش به حیات خود ادامه دهد. وی می گوید: «ایجاد سازمانی جهانی که بتواند از وقوع جنگ جلوگیری کند امکان پذیر است... اقوی دلیلی که به نفع حکومت جهانی ذکر می شود آنست که اگر این حکومت، آنگونه که شاید تشکیل شود، می تواند از وقوع جنگ جلوگیری بعمل آورد.» [۲۱]. «آرنولد توین بی» یکی دیگر از متفکرینی می باشد که در مورد حکومت جهانی دیدگاه هایی را مطرح ساخته است. ویژگی خاص مطالعات تاریخی این دانشمند - که در ضمن کتاب مفصل وی تحت عنوان «مطالعه ای در تاریخ» آمده است - نحوه ی طرح موضوع برای کاوش تاریخی است و هم چنین نحوه ی تلاشی است که وی برای فهم وقایع جهانی دارد. جلد هفتم کتاب توین بی در دو بخش عمده تهیه شده است که بخش اول آن درباره ی «حکومت های جهانی» است و بخش دوم آن درباره ی «ادیان جهانی» می باشد البته وی معتقد است که سه پدیده ی مهم، یعنی حکومت های جهانی، ادیان جهانی و دوره های قهرمانی، همه باید از علایم اضمحلال تمدن ها به شمار آیند و در واقع تمام بخش هفتم کتاب تاریخ وی برای اثبات این دیدگاه است. خلاصه ی دیدگاه توین بی را می توان چنین بیان کرد: تمدن هایی که موفق می شوند حکومت های وسیع تشکیل دهند، حکومت هایی که از ملیت های مختلف تشکیل یافته اند، در سرایش اضمحلال با شتاب «جدایی طلبی» روبه رو می شوند. یعنی ملیت ها به تناسب دوری آن ها از قدرت مرکزی برای جدا شدن از بدنه ی آن حکومت وسیع تلاش خود را آغاز می کنند. در چنین اوضاعی، دولت مرکزی برای حفظ سیطره خود و هم چنین به نحوی کنار آمدن با پدیده جدایی طلبی، مسأله ی «جهانی بودن» را مطرح می کند. داعیه ی «جهانی بودن» از یک سو به ادامه ی تسلط مرکز مشروعیت می بخشد و از سوی دیگر امکان می دهد که حکومت های موضعی با قبول صوری آن ادعای جهانی بودن، عملاً رفتاری مستقل داشته باشند. وی با ارائه ی نمونه های فراوان از امپراطوری روم، خلافت عباسی و چین سعی دارد این تئوری عمومی را اثبات کند. بطور مثال، به نظر توین بی در دوران خلافت عباسی، نفس «خلافت اسلامی» و نوعی داعیه ی جهانی برای اسلام، زمینه را فراهم کرد که سلاطین مختلف در اکناف امپراطوری عباسی صرفاً با دریافت «اذن» از خلیفه، مشروعیت رفتار مستقل کسب کنند. شبیه این امر را توین بی در امپراطوری روم هم پیدا می کند. به نظر وی داعیه ی جهانی بودن ادیان هم دقیقاً در همین ارتباط پیدا شده است. امپراطوری هایی که مشروعیت خود را بر اساس دین بنا کرده بودند با ادعای جهانی بودن آن دین، مسأله ی جهانی بودن حکومت خود را مطرح می کرده اند. اگر چه تئوری توین بی در رابطه با توضیح پدیده ی ظهور حکومت های جهانی ناتوان است اما آن چه می توان در این باره سرنخی مهم برای کاوش بدست آورد استفاده از یک مسلک جهانی برای توجیه جهانی بودن حکومت هاست. [۲۲]. از دیگر کسانی که در قرن بیستم دارای دیدگاه آرمان برون مرزی، جهان شمولی و فراملیتی برای نظام مورد نظر خود بودند، می توان از «استالین» و «تروتسکی» نام برد که پس از تشکیل حکومت مارکسیستی اتحاد جماهیر شوروی مباحثی را مطرح کرده اند. نظریه های آن ها مختلف بود و در تقابل قرار داشت. استالین اعتقاد داشت ابتدا باید درون کشور را آباد کرده یعنی ابتدا باید شوروی را ساخت، قوی کرد و به شکل الگو و نمونه درآورد، سپس آن مدینه ی فاضله را به جهانیان عرضه نمود. تروتسکی معتقد بود که تا جهان پذیرش و آمادگی دریافت پیامهای «انترناسیونالیستی» و جهان وطنانه ی انقلاب کمونیستی را ندارد، می بایستی به خلق ها کمک کرد تا قیام کرده و کمونیست شوند. اما هر دو تفکر معتقد به ایجاد حکومتی جهانی منطبق با اندیشه ی مورد نظر نظام خود بوده اند. بطوری که تروتسکی باور داشت که جهان بزودی به شکل یک کشور واحد کمونیست در خواهد آمد و زمانی که «لنین» به وی پست کمیساریای عالی امور خارجه را پیشنهاد کرد، او با ناباوری اعلام داشت که «مگر جهان کمونیزم آینده، خارجه ای خواهد داشت که وزارت امور خارجه یا کمیساریای عالی امور خارجه ای داشته باشد؟» تروتسکی معتقد بود که با چند سخنرانی آتشین او، بزودی جهان به پا خواهد خاست و کمونیزم بر بشر و جامعه های انسانی چیره می شود. لذا همه ی جهان یک کشور

واحد کمونیست خواهد بود که خارج و امور خارجه ای نخواهد داشت [۲۳]. بالاخره می توان نویسندگانی را نام برد که درباره ی حکومت جهانی لیبرالیسم استدلال هایی را مطرح و سعی کردند این فرضیه را اثبات کنند که: «جهانی شدن دموکراسی لیبرال امری محتوم است و لذا تشکیل یک حکومت واحد جهانی بهترین دستاورد برای بشر خواهد بود. کمالی است که در فضای آن گنج وجود بشر می تواند به نحو حقیقی آشکار شود، و از سوی دیگر این هدف با توجه به امکاناتی که در اختیار عناصر اصلی در جهان لیبرالیسم قرار دارد کاملاً عملی است. لذا رهبران دنیای لیبرالیسم باید مسؤولیت کنونی خود را در سیر به سوی تشکیل این حکومت جهانی درک کنند و سایر رهبران دنیا و مردم و ملت پیرو آنان باید بدانند که هر گونه مقاومت در مقابل این جریان عظیم تاریخی، مقاومتی محتوم به شکست مسلم است». مهم ترین نظریات مطرح شده در این مورد عبارتند از: تئوری پایان تاریخ فوکویاما، دهکده ی جهانی مارشال مک لوهان، تئوری قدرت الوین تافلر، نظریه برخورد تمدن های ساموئل هانتینگتون [۲۴]. در این پژوهش اجمالاً به دو استدلال اشاره می شود: استدلال اول از متفکر آمریکایی ژاپنی الاصل «فرانسیس فوکویاما» است. وی با نوشتن مقاله ای تحت عنوان «پایان تاریخ» در ربع پایانی قرن بیستم سروصدای زیادی به پا کرد. [۲۵] مضمون اصلی اندیشه ی فوکویاما را شاید بتوان در این عقیده یا ادعا خلاصه کرد که «دموکراسی لیبرال» شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است. چرا که دموکراسی لیبرال تنها آرمان سیاسی منسجمی است که مناطق و فرهنگ های متفاوت در سراسر دنیا را به هم پیوند می دهد. [۲۶]. به نظر می رسد تر فوکویاما شالوده ی ایدئولوژیک دور جدیدی از سرکردگی ایالات متحده را پی ریزی می کرد، چرا که در آن زمان با وجود این که رخ دادهای سیاسی جهان به ویژه ضعیف شدن اتحاد شوروی، فرصت تجدید اعتماد به نفس آمریکاییان را پدید آورده بود، روح حاکم بر مباحثات سیاسی در ایالات متحده بدینانه بود. مقاله ی فوکویاما با طرح موضع ایدئولوژیک برای استیلای سیاسی پس از جنگ سرد این شکاف ایدئولوژیک را پر کرد. تر فوکویاما این بود که پایان تاریخ پیش روی ماست: آن چه شاهد هستیم صرفاً پایان جنگ سرد یا گذر از دوره ی ویژه ای از تاریخ پس از جنگ نیست، بلکه پایان تاریخ [۲۷] نیز هست: یعنی نقطه ی پایان تطور ایدئولوژیک بشریت و جهانی شدن دموکراسی لیبرال غربی به مثابه شکل نهایی دولت بشری. [۲۸]. دومین استدلال، مطلبی است که «مارشال مک لوهان» عرضه می کند. برهان مک لوهان از لحاظ فلسفی، برهانی ساده تر و بلکه غیرفنی (و تا حدی عوامانه) است که به راحتی قابل هضم می باشد و مردم می توانند آن چه را گذشته است به عنوان قرینه ی صحت برهان قبول کنند. اساس دیدگاه وی بر این مطلب استوار است که انقلاب در عملیات با اطلاعات [۲۹] سبب شده که مردم کره ی زمین به راحتی به یکدیگر دسترسی داشته باشند، دسترسی ای که به مراتب آسان تر از ارتباط افراد یک دهکده در اوایل قرن بیستم است! لذا، به طور طبیعی مرزها در نور دیده شده، فرهنگ ها یک کاسه گشته و عناصر کلیدی ساختار اجتماعی (اقتصاد، سیاست، فرهنگ و...) همه به سوی یکسانی می روند، و این امر طبیعتاً اقتضای تشکیل یک حکومت جهانی واحد است. این حکومت براحتی و با همان اندیشه که در هر کشور محدود حکومت های موجود پیدا شده اند، ظاهر می گردد. یعنی فرهنگ و ساختار اجتماعی آن «دهکده ی جهانی» حکومت خود را معین می کند. از سوی دیگر، با توجه به سرچشمه ی این انقلاب، یعنی تحول در عملیات با اطلاعات (انفجار اطلاعات) که در غرب است، تفکر لیبرالیسم بیش از هر فکر دیگر فرصت بسط و عرضه پیدا کرده است. اگر واقع بینانه نگاه کنیم باید منتظر باشیم که فرهنگ ها و تفکرهای مختلف سیاسی به نحو طبیعی در داخل فرهنگی غالب حل شوند و آن فرهنگ غالب همان دموکراسی لیبرال است. مردم عادی و عقل عرفی مقدمات این برهان را خیلی راحت حس می کند: صد سال پیش مردم یک شهر چگونه به هم دسترسی داشتند؟ سپس تلفن آمد، بعد تلویزیون، و بعد انقلاب عظیم اطلاعاتی که همه را در یک ثانیه به یکدیگر وصل می کند و در واقع همه را به دریای واحد اطلاعاتی که همه ی اطلاعات به صورت نهایی به آن سرازیر می شود متصل می سازد. با این احساس ذهن معمولی نتیجه ی استدلال را هم می پذیرد. [۳۰]. نتیجه آن که، اعتقاد به ایجاد یک حکومت واحد جهانی که تمامی پهنه ی گیتی را شامل باشد، اندیشه ای بوده که بشر از دیر باز به آن توجه داشته است. تقریباً همه

ی مکاتب مهمی که در طول تاریخ بشر پیدا شده اند اعم از الهی و غیرالهی، در اندیشه ی برقراری یک حکومت واحد جهانی بوده اند.

حکومت واحد جهانی در اندیشه سیاسی اسلام

اشاره

همان گونه که در بخش قبل اشاره شد، تشکیل یک نظام واحد جهانی، اندیشه ای است که از دیر باز مطرح بوده و ریشه در ندای فطری و درونی انسان ها دارد. قریب به اتفاق همه ی مکاتب پرآوازه ای که در طول تاریخ به ظهور رسیدند - اعم از الهی و غیرالهی - اعتقاد به برقراری یک حکومت واحد جهانی و ضرورت حاکمیت چنین نظامی را مورد شرح و تفسیر قرار داده که در فصل گذشته به اجمال به برخی از دیدگاه های موردنظر در این خصوص مانند ارسطو، افلاطون، رواقیون، سیسرون، توماس هابز، کانت، برتراند راسل، مکاتبی مانند کمونیسم، فاشیسم و... اشاره شد. در این بخش موضوع تأسیس حکومت واحد جهانی بر پایه ی بینش توحیدی مبتنی بر قوانین اسلام تشریح می شود.

اندیشه جهان شمولی اسلام

اسلام بر پایه ی یک نیاز فطری بشر و با یک استدلال حکیمانه بر این اعتقاد است که اگر قرار باشد جامعه ی بشری به بهترین شیوه اداره شده و بشر روح صلح، امنیت و سعادت واقعی را به خود دیده و راه رشد و تکامل را طی نماید، راهش این است که همگان تحت حکومت واحد جهانی مبتنی بر قوانین آسمانی اسلام درآیند، چراکه این دین برخلاف مکاتب دیگر مرزهای ملی، قومی، نژادی، مربوط به رنگ پوست و نظایر آن را از میان برداشته و قادر است همه ی جهان را تحت قانون واحدی اداره کند. اسلام معتقد است که تنها راه عملی حل مشکل بشر در همه ی قرون و اعصار و رسیدن به صلح و امنیت واقعی این است که مرزهای ساختگی و اعتباری که منشأ اختلاف بشری، دسته بندی ها، تضاد منافع، رقابت های کشنده و ستیزه جویی ها و جنگ های غیرانسانی است از میان جامعه ی بشری برداشته شود و نهال وحدت، همدلی و مساوات و آزادی معقول در آن کاشته شود. شاید برخی ها این ایده و آرمان را «اتوپیا»ی تخیلی و دست نیافتنی تصور کنند. [۳۱] اما با نگرش در اندیشه های بزرگ مشاهده می شود که اگر چنین جهانی دست نیافتنی، اتوپیا و خیال گونه بود حتی حرفش هم مطرح نمی شد. وقتی اندیشمندان و فلاسفه ی بزرگی مانند: افلاطون، ارسطو، سیسرون، اگوستین، توین بی، راسل و نظایر آن ها که مردان اندیشمند و صاحبان علم و معرفتند و توانسته اند به فرهنگ و تمدن بشر شکل داده و تأثیرات عمیقی را بر محیط زندگی بر جای بگذارند و از سوی دیگر برای آنان که به تفکر با ارزش ارج می نهند و نگران آینده و جامعه ی بشری هستند آثار دانشمندان و تفکرات آن ها را رهنمونی پر ارزش تلقی می نمایند، چنین جهانی را تصویر و تعریف می کنند، حتماً می تواند وجود داشته باشد و دست یافتنی هم می باشد. اگر چنین جهانی قابل تبلور نبود، مکتب های توحیدی بشارتش را نمی دادند. پیدایش سازمان های مختلف و رنگارنگ جهانی مانند: جامعه ی ملل، سازمان ملل، جامعه ی جهانی حقوق بشر، صلیب سرخ، بهداشت جهانی و سازمان جهانی حفظ محیط زیست و نیز صدور اعلامیه های عریض و طویل جهانی، همگی خود حاکی از این است که چنین دنیایی نیاز فطری بشر و عملی و امکان پذیر است. [۳۲]. بنابراین، واقعیت این است که بشر از زمانی که پا به عرصه ی حیات گذاشت، همواره در پی ساختن دنیایی بود تا در آن همه ی بشر به نسبت از حقوق و امتیازات برابر برخوردار بوده و احساس امنیت و رضایت خاطر کنند. مصلحان و متفکران از زمان های بسیار دور، به فکر تحقق این مرحله از تکامل در جامعه ی بشری بوده اند، با این تفاوت که هر فرد یا گروهی مرحله ی ایده آل را

به صورت خاصی تعقیب می کرده است. پیامبران الهی عالی ترین راه و مطمئن ترین روش را برای رسیدن به این آرزو و رسیدن بشر به بینش و عقیده ی واحد ارائه کرده اند. به همین سبب خود و پیروانشان و تمامی کسانی که به نوعی از مکتب آسمانی آنان متأثر بوده اند، همه ی تلاش خود را در تعلیم و تزکیه ی انسان ها به کار برده و همگان را به سوی معبود واحد راهنمایی کرده و انسان ها را در اصل از جوهر و منشأ واحدی معرفی نموده و اختلافات نژادی و قومی و غیره را عارضی و غیراصیل ذکر کرده اند. چنان که در قرآن آمده است: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ. [۳۳]. دین اسلام، آیین فطرت انسانی است و همه ی انسان ها با صرف نظر از تعلقشان به طبقه و نژادی خاص در این جهت مشترک و یکسانند: فَطَرَتِ اللَّهُ اللَّتَّى فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا [۳۴] از این رو طبیعت تکامل پذیر انسانی ایجاب می کند که بالاخره روزی تمامی بشر به این آیین رو آورند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز عهده دار رسالت آن بود تا همگان را به چنین دین جهان شمولی فرا بخواند. آیات فراوانی از قرآن کریم در این زمینه وجود دارد که نشان دهنده ی اندیشه ی جهان شمولی اسلام می باشد. نمونه هایی از آن عبارتند از: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ [۳۵] او کسی است که پیامبر خود را با راهنمایی و دین راست فرستاد، تا مگر آن را بر هر چه دین است، چیرگی بخشد. قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا [۳۶] بگو ای مردم من فرستاده ی خدا به سوی همه ی شما هستم. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [۳۷] و تو را نفرستادیم مگر برای تمامی مردم، بدان سان که هم مژده ده و هم ترساننده باشی. اما [این را] بیشتر مردم در نمی یابند. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ [۳۸] همانا دین پیش خدا، فقط اسلام است. وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ [۳۹] و هر که بجز اسلام دینی بجوید، هرگز از وی پذیرفته نخواهد شد. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ [۴۰] و نفرستادیم تو را مگر رحمتی بر جهانیان. افزون بر آیات قرآنی و استدلالات منطقی و نیز اقتضای ماهیت فطری بودن اسلام، پیامبر نیز عملاً در راه انجام دادن همین رسالت جهانی گام های بلندی برداشت و در دوره ی بسیار کوتاه زمام داری خود، دیپلماسی فعالی را در جهت معرفی آیین خود انجام داد، و با نامه نگاری و فرستادن پیک نزد رؤسای قبایل و سران کشورهای جهان آن روز، به همه اعلام کرد که او مأمور انجام دادن یک وظیفه ی جهانی است. البته پیروان سایر ادیان و مکاتب، بر این عقیده بوده اند که تشکیل جامعه ی جهانی در صورتی ممکن است که همگان دارای عقیده و بینش واحدی - که طبعاً همان عقیده و جهان بینی مخصوص خود آنان است - باشند. ولی در این میان تنها اسلام است که برای وصول به صلح جهانی وحدت عقیده را ضروری ندانسته بلکه معتقد است با رسمیت یافتن اصل توحید و استفاده از نقاط مشترک و کلی ادیان - که همان اعتراف به لزوم پرستش خدا و نفی هر گونه شرک است - می توان به این مرحله از تکامل اجتماعی دست یافت. به همین جهت است که از همان آغاز، پیروان خود را دعوت به زندگی مسالمت آمیز کرد: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ [۴۱] و در باره ی زندگی مسالمت آمیز ادیان نیز فرمود: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ. [۴۲].

ایجاد حکومت جهانی اسلام در دیدگاه امام خمینی

نگاهی گذرا به اعلامیه ها و سخنرانی ها و موضع گیری های حضرت امام (رحمه الله) در طول نهضت و انقلاب اسلامی این حقیقت را بخوبی روشن می سازد که امام رسالتی فراتر از مبارزه با رژیم شاه و رهانیدن ایران از چنگال استکبار جهانی و صهیونیسم بین المللی بر دوش داشته است، هدف و آرمان اصلی ایشان ترویج و گسترش نهضت و انقلاب «تا رفع فتنه در جهان» و «ایجاد حکومت جهانی اسلام» بوده است. نخستین حرکتی که حضرت امام (رحمه الله) در این راه از خود نشان داد آن بود که خود را در برابر مسلمانان و مستضعفان جهان مسؤول می دانست و از آغاز نهضت اسلامی، بر آن بود که مبارزه با طاغوت را جهانی

سازد و ملت ایران را با دیگر توده‌های مسلمان بر ضد جهان خواران، به همراهی و همگامی وادارد و زمینه را برای پدید آوردن «اتحاد اسلامی» در راستای قیام جهانی حضرت مهدی (عج) فراهم کند. از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی دکتورین صدور انقلاب اسلامی را مطرح نمود. چراکه برای ایشان، صدور انقلاب به منزله‌ی تکلیف و عمل به ارزش‌های والای اسلام یعنی حاکمیت اسلام و احکام مترقی آن در سراسر جهان بود: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجا جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم». [۴۳]. «باید تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها بدانند که ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون برای اعتلای کلمه الله ایستاده ایم و بر خلاف میل تمامی آنان، حکومت نه شرقی و نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پی‌ریزی خواهیم نمود». [۴۴]. از همان سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی همواره این سؤال مطرح بود که آیا دولت و نظام اسلامی باید تنها در پی ایجاد رفاه و آسایش برای مردم ایران و سازندگی کشور اسلامی باشد یا در کنار این هدف، به هدف بزرگ‌تر انقلاب اسلامی که آزادی همه‌ی ملل تحت ستم و تشکیل حکومت جهانی اسلام است، نیز بیندیشد؟ تفکری که به تدریج بر افکار مسؤولان نظام اسلامی حاکم شد، این بود که چون ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام مطرح است، پس باید ابتدا به فکر توسعه و سازندگی در داخل کشور بود و ان شاء الله در آینده که از آبادانی و سازندگی ایران اسلامی فارغ شدیم به فریاد دیگر ملل مظلوم هم خواهیم رسید و برای حاکمیت جهانی اسلام هم برنامه‌ریزی می‌کنیم! اما در مقابل تفکر «ام‌القری» امام راحل با ژرف‌اندیشی تمام و پشتوانه‌ی بزرگ باور به انقلاب جهانی حضرت حجت (علیه السلام)، مسؤولان نظام را از این که تنها به ایران بیندیشند، بر حذر داشته است: [۴۵]. «مسؤولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت، اروحانفاده، است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند». [۴۶]. استنباط از این فرمایش امام راحل (قدس سره) آن است که ایشان جهانی کردن نهضت اسلامی را به منظور حاکمیت بخشیدن اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست استعمارگران و صهیونیسم در کشورهای اسلامی و مستضعف حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعقیب نموده است و هرگز از محقق ساختن اندیشه‌ی جهان شمولی اسلام یعنی برقراری حکومت واحد جهانی اسلام و مبارزه‌ی بی‌امان خویش علیه قدرت‌های استکباری خسته و ناتوان نشده بلکه با ایمان کامل به راه ادامه داده است. چراکه ایشان معتقد بود انقلاب اسلامی ایران مقدمه‌ای برای انقلاب عظیم منجی عالم بشر حضرت مهدی (عج) می‌باشد: «ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی (صلی الله علیه و آله) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان - اروحانفاده - هموار می‌کنیم». [۴۷]. یکی از استراتژی‌های مهمی که حضرت امام (قدس سره) در راستای تحقق بخشیدن به برقراری حکومت واحد جهانی اسلام، آن را حائز اهمیت می‌دانست و به همگان گوشزد می‌کرد نفی وابستگی به شرق و غرب بود. چراکه اقتدار و عزت مسلمانان ایجاب می‌کند تا سردرگرو ولایت طاغوت‌های شرق و غرب ندهند: «شعار «نه شرقی و نه غربی» ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهای استعماری است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد. و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان باید نه وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند. که ان شاء الله به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته‌اند. و به

طور قطع و یقین پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است؛ که این سیاست ملاک ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است، چراکه شرط ورود به صراط نعمت حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. [۴۸]. پس ایجاد حکومت واحد جهانی اسلام، مهم ترین اهداف و آرمان حضرت امام بود که آن را از ابتدای شروع فعالیت های مبارزاتی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن، دنبال می کرد، بطوری که در دایره ی کوچک حمایت از حقوق مسلمانان و ارائه ی کمک های ممکن برای آنان و در دایره ی بزرگ تر حمایت از تمامی مستضعفان و محرومان جهان و ایستادگی در برابر ارکان استکبار و سران فتنه جزء اصول و برنامه های ایشان بود.

لزوم و علل ایجاد حکومت توحیدی مبتنی بر قوانین آسمانی اسلام

همان طور که پیشتر اشاره شد نیاز به یک حکومت واحد جهانی، نیاز فطری و طبیعی بشر است. بشر از زمانی که پا به عرصه حیات گذاشت، همواره در پی ساختن دنیایی بوده تا بتواند در سایه ی آن از حقوق و امتیازات مساوی همراه با امنیت و آزادی برخوردار باشد. بر مبنای چنین اندیشه و تفکری بود که اسلام در جهان جهالت زده پرتو افکند و با جهانی اعلام کردن رسالتش در پی آن بود تا براساس یک قانون آن هم قانون واحد الهی دنیا را اداره کند و حاکمیت خدا را بر زندگی بشر مستقر سازد. اسلام به عنوان یک مکتب حیات بخش از ابتدا رسالت خود را جهانی اعلام کرده تا دنیا را براساس قانون واحد الهی اداره کند و به مصداق آیه ی شریفه ی: *وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ* [۴۹] و هم چنین: *إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ* [۵۰] حاکمیت خدا را بر زندگی بشر مستقر سازد. آیات فراوانی در قرآن مجید دلالت بر این امر دارد که بی تردید تنها راه فلاح و سعادت بشر و دست یابی به صلح و امنیت عادلانه، حاکمیت قانون واحد الهی است. [۵۱]. هیچ عقل سلیم و فطرت پاکی دنیایی را که در آن عده ی اندکی با تکیه بر قدرت، حقوق اکثریت را پایمال کرده، دنیایی که در آن هر ملت و قوم و گروهی دنبال منافع ملی، قومی و یا گروهی خود باشند - همین وضعیتی که امروز بر جهان حاکم است - دنیایی ایده آلو مطلوب نمیدانند. در میان تمامی نحله ها و مکاتب فکری، تنها مکتبی که بهترین پاسخ را به این ندای فطری و طبیعی بشر داده است، اسلام است. مکتبی که با برخورداری از یک قانون محکم، منسجم و جامع الاطراف مدعی اداره ی مطلوب جامعه ای است که در آن بشر می تواند در سایه ی حاکمیت قانون الهی و حکومت توحیدی به دنیایی بهتر و مطلوب تر برسد. چرا که در این مکتب همه ی اقوام و ملل از هر رنگ و نژادی باشند دارای حقوق یکسان بوده و هیچ ملتی بر دیگری برتری ندارد. تنها ملاک برتری ملتی بر ملت دیگر تقوی الهی است، یعنی هر کس بیشترین تعهد و التزام عملی به حکومت قانون و حدود و احکام خدا بر زندگی خود داشته باشد، در جایگاه برتر قرار می گیرد. و این عین عدالت و مساوات هم هست، چراکه با همه ی انسان ها، از هر رنگ و نژاد و ملتی که باشند، طبق یک قانون رفتار می شود. یعنی قانون همه را به یک چشم نگاه می کند. از طرف دیگر، در این مکتب توحیدی به جهت این که همه تسلیم یک اراده و یک قانون هستند، اختلاف و تعارض در تبعیت از قانون الهی وجود ندارد، همه بدنبال یک راه هستند آن هم راهی که خدای یکتا تعیین کرده است، هوی و هوس در آن وجود ندارد. در این مکتب، انسان ها گرفتار «خداوندان اندیشه» نمی شوند. همان گونه که امروز تمدن جهان غرب دچار آن است - در صورتی که گرفتار شدن در چنبر چند خدایی، جامعه ی بشری را با خطر ناامنی تهدید خواهد کرد و فتنه و فساد زمین را فرا خواهد گرفت. [۵۲] چنان که در قرآن کریم آمده است: *لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ* [۵۳] اگر در آسمان و زمین به جز خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می یافت، پس پاک و منزّه است خدا، پروردگار عرش از توصیفی که آن ها می کنند. خدای سبحان برای این که فساد چند خدایی را به

بهترین وجهی به بشر تفهیم نماید در قرآن کریم مثالی بسیار زیبایی می‌زند: **ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ** [۵۴] خدا مثالی زده است: مردی را که مملوک شریکانی است درباره‌ی او پیوسته با هم به مشاجره مشغولند و مردیکه تنها تسلیم یک نفر است، آیا این دو یکسانند؟ حمد مخصوص خداست، لیکن بیشتر مردم این حقیقت را نمیدانند. هدف اسلام ساختن همه‌ی انسان‌ها و هدایت آن‌ها در طریق سعادت و کمال است. برایش فرقی نمی‌کند که این انسان کجای زمین زندگی می‌کند، چه رنگی است و یا مثلاً از کدام نژاد و ملتی است. با این توضیح مختصر می‌توان مهم‌ترین دلایل برای استقرار یک حکومت واحد جهانی تحت حاکمیت قانون الهی را به شرح زیر بیان کرد: الف) جاودانی بودن دین اسلام از بدو ظهور، خود را با یک دید جهانی بر مردم عرضه کرد: **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا** [۵۵] و یا این که: **قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا** [۵۶]. هر دو آیه از آیه‌های مکی هستند. ترسیم سیاست جهانی در آیه‌های مکی می‌رساند که پیامبر پس از پیروزی‌های چشمگیر و روز افزون خود، دیدگاه خود را تغییر نداد و این گونه نبود که ناگهان بر همه‌ی جهان چشم طمع دوخته باشد. بلکه از همان ابتدا رسالت جهانی داشت. جهانی بودن اسلام نیز دارای دو بعد زمانی و مکانی است. یعنی: هم برای عموم بشر (هر جا که باشند) و هم برای همه‌ی ادوار (تا روزی که نسل‌های بشری پیاپی زاده شوند). [یعنی: ابدی بودن] این گستردگی و این جاودانگی بیان‌گر رسالت جهانی اسلام است، و رمز جهانی بودن اسلام هماهنگی آن با طبیعت و فطرت بشری است: **فَمَا قَمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ** [۵۷] و چون فطرت امری است که دگرگونی در آن وجود ندارد، اسلام نیز جاودانگی و گستردگی خود را از این طریق اثبات کرده است. [۵۸]. هم چنین از مضمون صریح آیه‌های متعدد قرآن می‌توان بر جاودانی بودن دین مقدس اسلام پی برد. آن جا که می‌فرماید: **وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ** [۵۹] و هم چنین: **مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ**. [۶۰] در آیه‌ی نخست با کلمه‌ی «لن» به معنی «هرگز» و در آیه‌ی دوم با کلمه‌ی «خاتم النبیین» آخرین پیغمبر بودن حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می‌توان جاودانی بودن اسلام را دریافت. ب) جامع‌نگری اسلام: اسلام مسیّد قطب در اثر خود بنا به آینده در قلمرو اسلام، می‌نویسد: «اسلام، راهی است نمایان و روشن، راهی به زندگی و کمال این آئین، عقیده‌ای است و برنامه‌ای. عقیده‌ای که جهان هستی را می‌شناساند، و موقعیت «انسان» را در این پهنه وسیع مشخص می‌سازد و هدف اصلی آفرینش او را بیان می‌کند. و برنامه‌ای که کلیه سازمانها و تشکیلات زندگی ساز را که از آن عقیده سرچشمه گرفته و بدان متکی است شرح می‌دهد و طرز فکر اسلامی را بصورت واقعیتی مجسم، در زندگی بشر جلوه‌گر می‌سازد، مانند: ۱- سازمان اخلاقی، یعنی ریشه‌های اخلاق و پایه‌های اساسی و نیروهای نگاه دارنده آن در اجتماع. ۲- تشکیلات سیاسی و شکل حکومت و خصوصیات آن. ۳- نظام اجتماعی و هر آنچه در نگاهداری و بقاء آن مؤثر است. ۴- سیستم اقتصادی و فلسفه و تشکیلات آن. ۵- حقوق بین‌المللی و همبستگی جهانی. ما معتقدیم که سرانجام، بشریت فرمانبر اسلام خواهد شد و جهان در آینده، قلمرو اسلام خواهد گشت، و گواه ما آنکه این آئین، راه زندگی و کمال است. می‌گوییم راه زندگی، زیرا کلیه لوازم یک زندگی اجتماعی سعادت‌مندانه، بصورت مقرراتی متین و محکم، پیوسته و غیرقابل انفکاک، در برنامه آن گنجانیده شده و موجود است. و همین مقررات است که زوایای مختلف زندگی بشر را اداره می‌کند، و به نیازمندیهای گوناگون وی پاسخ می‌دهد، و نیروهای انسانی او را در راههای صحیح و ضروری مصروف می‌سازد». [۶۱]. از آنجا که برنامه‌ی اسلام کامل و همه‌جانبه است و برنامه‌ی فراگیر و گسترده‌ای را که زیربنای نظام زندگی انسان‌هاست، پیشنهاد می‌کند، نیازمندیهای بشریه آن برنامه‌ها به گونه‌ای است که نمی‌تواند روزگار درازی خود را از اسلام، بی‌نیاز دانسته و نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. چرا که ناتوانی بشر در شناخت ماهیت، طبیعت و سرشت انسان، موضوعی نیست که فقط قرآن به آن تصریح کرده باشد، بلکه، تمدن مادی امروز غرب که داعیه‌ی اداره‌ی جامعه‌ی جهانی تحت عنوان نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا را دارد، پس از آن همه‌ی تلاش همه‌جانبه در جهت اداره‌ی جامعه‌ی انسانی با تکیه بر عقل جزء بشری و اندیشه

های سکولاریستی و اومانستی [۶۲] به بن بست رسیده است. بطوری که بسیاری از صاحب نظران و اندیشمندان همین جامعه ی غربی، علل ناتوانی غرب در تدبیر جوامع بشری و تأمین سعادت و کمال آنها را ناتوانی بشر در شناخت صحیح و کامل انسان ها و وضع قوانین متناسب با طبیعت و سرشت انسان اعلام کرده اند. اگر انسان ها در کل جوامع بشری به جایی مراجعه کنند که از آدمی و سرشت او شناخت درستی داشته باشند برای اداره ی زندگی خود با مشکل مواجه نخواهند بود. اما خوی خودخواهی و خودبرتربینی انسان مانع از آن می شود تا بسوی کسی مراجعه کند که از همه جهت آدمی را می شناسد. اسلام معتقد است خالق انسان از مخلوق خود آگاهی کامل دارد و از همه ی هوی ها و هوس های او آگاه است و اوست که می تواند بهترین نسخه را برای اداره ی بهتر زندگی بشر صادر کند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ [۶۳] و ما انسان را خلق کردیم و از وسوسه های نفس او کاملاً آگاهیم و ما از رگ گردنش به او نزدیک تریم.» «ما از رگ گردنش به او نزدیک تریم»، منظور آن است که ما از همه کس و همه چیز به او نزدیک تر هستیم، او را بهتر از هر کس دیگری شناسیم، و آرزو و نیازهای او را میدانیم و می توانیم بهترین قانون را برای تنظیم زندگی اش عرضه کنیم. ج) عدالت نگری اسلامبا نگرشی به مباحث گذشته، تردیدی باقی نمی ماند که تنها راه رستگاری و سعادت بشر و تنها راه دست یابی به صلح و امنیت عادلانه، حاکمیت قانون واحد الهی است. چون در قانون الهی همه ی انسان ها به یک چشم نگریده می شوند، همه ی ملت ها و قبیله ها دارای حقوق مساوی هستند و به اندازه ی هم از مواهب زندگی بهره مند میشوند. هیچ کس مگر بر معیار تقوی الهی بر دیگری برتری ندارد. اسلام اختلاف ظاهری و وجود گروه ها و قبیله های مختلف را نشان از اراده ی خدا و شناسایی همدیگر معرفی می کند. اما مدعی است که با وجود این تکثر همه باید تابع یک قانون باشند. به همین دلیل به یک حکومت واحد جهانی تحت حاکمیت قانون الهی اعتقاد دارد. چرا که هدفش ساختن همه ی انسان ها و هدایت آن ها در طریق سعادت و کمال واقعی است و معتقد است آن چه موجب برتری انسانها از یکدیگر می شود تقوی و پرهیزگاری است، نه رنگ، نژاد و ملیت. اگر نگاهی به سایر اندیشه ها و مکتب ها بیندازیم هرگز چنین جامعیتی را نخواهیم دید، برای نمونه می توان از «نظم نوین جهانی» آمریکا نام برد که داعیه ی رهبری جهان را دارد. به راستی آیا چنین تفکری قادر است امنیت و عدالت واقعی را برای همه ی جهانیان تأمین سازد؟

مصلح بزرگ جهانی

آرزوی تشکیل جامعه ی جهانی از دیرباز در جامعه ی بشری وجود داشته است تا آن جا که به اعتقاد بعضی از نویسندگان این آرزو برخاسته از انگیزه های فطری جوامع بشری بوده و به همین سبب در تمامی ادیان الهی و حتی غیرالهی به صورت یک اصل مسلم به حساب آمده و همگان، فرارسیدن چنین روزی را نوید داده اند. فطرت و نهاد آدمی به وضوح فریاد می زند که سرانجام صلح و عدالت، جهان را فرا خواهد گرفت و بساط ظلم و ستم برچیده می شود. از این رو، تقریباً همه ی ادیان متفقند روزگاری مصلحی بزرگ بر جهان حاکم میشود و صلح و عدالت جهانی محقق میسازد. قرآن به عنوان مهم ترین منبع اسلامی خبر از تحقق یک حکومت عدل جهانی در سایه ایمان می دهد و بر آن تأکید می کند: ۱- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ [۶۴] و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد. ۲- «وَ عِبَادَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْبَحُوا بِحَمْدِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْبَحُوا فِي الدِّينِ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ [۶۵] و خدا به کسانی که از شما بندگان ایمان آرد و نیکوکار گردد وعده فرموده که در زمین خلافت دهد، چنان که جای نشین کرد آنان را که پیش از ایشان بودند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده ی آنان را بر همه ی ادیان چیره و مسلط کند و به همه ی مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شائبه ی شرک و ریا پرستش کنند و بعد از آن هر

که کافر شود به حقیقت همان فاسقان تبه‌کارند. ۳- يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ [۶۶] (کافران) می‌خواهند که نور خدا را به نفس تیره و گفتار جاهلانه‌ی خود خاموش کنند و خدا نگذارد تا آن که نور خود را در منتهای ظهور و حد اعلای کمال برساند هر چند کافران ناراضی و مخالف او باشند. اوست خدایی که فرستاده‌ی خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا به همه‌ی ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند. ۴- وَتُرِيدُونَ أَنْ يُكْفَرُوا عَنْكُمْ وَيَخْتَلِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ [۶۷]، و ما اراده کردیم که بر آن طایفه‌ی ضعیف در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم. در نظر مفسران، بویژه مفسران شیعه، تمامی آیه‌های فوق به علاوه این حدیث رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) که فرموده است: «اگر از عمر دنیا، حتی یک روز باقی مانده باشد، خدا آن روز را چندان طولانی می‌گرداند تا یکی از اهل بیت من برانگیزد که جهان را پر از عدل و داد کند، هم چنان که پر از ظلم و جور بود» [۶۸] اشاره بر اندیشه‌ی پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ظلم و ستم، و ظهور حکومت واحد جهانی دارد که نیکوکاران و مستضعفان به منظور گسترش جهانی با ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه‌ی ارزش‌های انسانی و تشکیل مدینه‌ی فاضله و جامعه‌ی ایده‌آل، بوسیله‌ی شخصیتی مقدس و عالی قدر که در روایت‌های اسلامی از او به «مهدی» (عج) تعبیر می‌شود، آن را به تحقق خواهند رساند.

نتیجه‌گیری

از بحث‌های گذشته به این نتیجه رسیدیم که حکومت واحد جهانی تفکری است که در آینده تحقق خواهد یافت. روشن‌ترین دلیل، اجماع و اتفاق نظر بشر، با تمامی ادیان، مذاهب و فرهنگ‌هایش، در برپایی چنین حکومتی می‌باشد. یهود به ظهور «سلطنت» خود بر جهان اعتقاد دارند و نصارا به بازگشت «مسیح» نجات بخش معتقد هستند و مسلمانان نیز به ایجاد حکومت واحد جهانی به وسیله‌ی شخصیتی مقدس بنام «مهدی» ایمان دارند. علاوه بر این که در اندیشه‌ی متفکران مغرب زمین نیز چنین اعتقادی وجود دارد. صرف نظر از درستی یا بطلان این عقاید مهم‌ترین نتیجه‌ای که از آن میتوان گرفت این است که اندیشه‌ی حکومت جهانی، تفکری زنده و پویا است که ریشه در فطرت و وجدان آدمی دارد. اسلام آیین جهانی و تکمیل‌کننده‌ی ادیان الهی قبل از خود است که در محدوده‌ی زمان، مکان و نژاد خاصی قرار نمی‌گیرد. رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز برای بشارت و انداز به تمام انسانها است، و خدا آخرین پیامبر و کامل‌ترین دین خود را به سوی انسان‌ها فرستاد تا آن را بر همه‌ی دین‌های قبلی چیره گرداند. بنابراین به اعتبار جهانی بودن این دین و آیه‌ی شریفه‌ی: إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ [۶۹] تمامی ملت‌های اسلامی موظف هستند وحدت و یکپارچگی خود را به منظور تشکیل «امت واحد» به ظهور برسانند تا جهان وطنی به عنوان یکی از آرزوهای دیرین بشر، به تحقق برسد. و از طرف دیگر، اسلام بر پایه‌ی یک نیاز فطری بشر و با یک استدلال، بر این اعتقاد است که اگر قرار است جامعه‌ی بشری به بهترین شیوه اداره شود و بشر روح صلح، امنیت و سعادت واقعی را به خود ببیند و راه رشد و تکامل را طی نماید، راهش این است که همه‌ی جهان تحت قانون واحدی آن هم مبتنی بر قوانین آسمانی اسلام، اداره شود. چرا که در این مکتب مرزهای ملی و قومی، رنگ و نژاد، فقیر و غنی و به عبارتی امتیازهای طبقاتی وجود ندارد، بلکه همه در چارچوب قانون اسلام از حقوق و امتیازهای برابر برخوردارند. اسلام، از ابتدا نگاهش به همه‌ی انسان‌ها به عنوان یک خانواده بوده است: «کلکم من آدم و آدم من تراب» [۷۰] همه شما از آدم هستید و آدم از خاک. با این دیدگاه همه‌ی انسان‌ها گذشته از مذهب، رنگ، نژاد و... از یک خانواده هستند و از ویژگی‌های بارز چنین نظام جهان‌شمولی عدالت فراگیر و امنیت کامل آن است. در این دین، مستضعفان جهانی با ایمان اسلامی و استقرار کامل و همه‌جانبه‌ی ارزش‌های انسانی، مدینه‌ی فاضله‌ی جامعه‌ی ایده‌آل را

به وسیله‌ی شخصیتی مقدس و عالی قدر - که در روایت‌های اسلامی از او به «مهدی» تعبیر می‌شود - به تحقق خواهند رساند. در راستای چنین تفکری، نظام اجتماعی عادلانه‌ای برقرار می‌شود که در پرتو آن کلیه‌ی ستم‌ها و تبعیض‌ها از جامعه‌ی بشری ریشه کن گشته و عدالت جای‌گزین آن می‌شود. چنان‌که در روایت‌های زیادی به این مسأله اشاره شده است: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا» [۷۱]، خدا به وسیله‌ی او (حضرت مهدی (عج)) زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از آن که از جور و ستم پر شده باشد. علاوه بر این که در چنین نظامی امنیت - که یکی از ضروری‌ترین مسایل حفظ و تداوم جامعه‌ی انسانی است و از آرزوهای طالبان صلح و آرامش بوده و هست - برای همه‌ی کسانی که بخواهند زندگی شرافت‌مندانه و انسانی داشته باشند به شکل مطلوب تأمین خواهد شد. وَ لَيَبْدُلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا... [۷۲] و دوران خوف آنان را به دوران امنیت تبدیل می‌کند. حضرت امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران - که اندیشه‌های ایشان برگرفته از قرآن کریم و سنت نبوی مکرم اسلام و ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) است - از آغاز نهضت اسلامی خویش با جهانی ساختن مبارزه با طاغوت، و ملت ایران را با دیگر توده‌های مسلمان بر ضد استعمارگران، به همراهی و همگامی وامی‌دارد تا زمینه برای پدید آمدن اتحاد ملل اسلامی در راستای آماده‌سازی قیام جهانی حضرت مهدی (عج) فراهم گردد. نمود بارز چنین تفکری، حمایت و پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین علیه صهیونیسم و اندیشه‌ی صدور انقلاب اسلامی به فراسوی مرزهای ایران می‌باشد. از این جهت تشکیل حکومت اسلامی در ایران هیچ‌گاه باعث نشد تا ایشان از حرکت در جهت تحقق آرمان جهانی اسلام باز ایستد و سایر ملت‌های اسلامی و مستضعف را به فراموشی بسپارد: «ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه‌ی ستمگران را در کشورها یا اسلامی میشکینیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم». [۷۳]. بنابراین ایجاد حکومت واحد جهانی (وحدت جامعه‌ی بشری) مبتنی بر قوانین اسلامی امری حتمی، بوده و از بشارت‌ها و وعده‌های قرآن کریم می‌باشد. در این نظام، تمامی سرزمین‌ها، کلیه‌ی ادیان و مذاهب و جمیع ملت‌ها در یک سیستم واحد اداره شده، و تحت تدبیر و هدایت قرار می‌گیرند. چراکه این نظام قادر است علاوه بر تأمین نیازهای مادی و معنوی بشر، عدالت و امنیت را در جهان برقرار سازد.

باورقی

- [۱] راسل، برتراند، آیا بشر آینده‌ای هم دارد؟، (ترجمه‌ی م. منصور)، مروارید، تهران، ۱۳۴۴ ش، ص ص ۱۷۲-۱۶۶.
- [۲] در نظر افلاطون فیلسوف کسی است که حقایق کلی را بشناسد و به جای گمان، از معرفت برخوردار باشد.
- [۳] طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، قومس، تهران، چ ۱، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۸.
- [۴] بیگدلی، علی، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب از طالس تا مارکس، عطا، تهران، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۴۸.
- [۵] طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، ص ۹۷.
- [۶] Zeno، وی در سال ۳۳۶ پیش از زادن مسیح در قبرس متولد شد و سال ۲۶۴ در آتن درگذشت. وی تحت تأثیر گزنفون و افلاطون قرار گرفت.
- [۷] بیگدلی، علی، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب از طالس تا مارکس، ج ۱، ص ۶۱.
- [۸] Sinat Auyusitn، وی در سال ۳۵۴ میلادی در یکی از شهرهای شمالی آفریقا به نام تاگات متولد شد. در دوران جوانی بت پرست بود (از پدری کافر و مادری مسیحی به نام مونیکن زاده شد) و سپس با مطالعه در اندیشه‌های مانویت به دین مانی گروید. اما به دنبال کشف حقیقت در سن ۳۳ سالگی به روم رفت، با محافل مسیحی آشنا شد و قبول مسیحیت کرد و به مقام کشیشی رسید. او در سال ۴۳۰ م فوت کرد.

- [۹] جامعه ای که اگوستین آنرا شهر خدا مینامد، هدفش درد دنیا تحقق بخشیدن به دو مطلوب بزرگ انسانی یعنی صلح و عدالت است.]
- [۱۰] امید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، بی تا، ص ص ۱۴ - ۸۳.
- [۱۱] طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب، ص ۱۳۴.
- [۱۲] همان، ص ص ۱۰۴ - ۱۰۱.
- [۱۳] پیشین، ص ۱۰۸.
- [۱۴] هابز، فیلسوف انگلیسی در سال ۱۵۸۸ میلادی به دنیا آمد و به سال ۱۶۷۹ میلادی در سن نود و یک سالگی در گذشت.
- [۱۵] Levithan: لویتان کلمه ای است استخراج شده از تورات به معنی حیوان عظیم الجثه و شاید نهنگ که همه ی حیوانات کوچک تر را می بلعد. این رساله حدود وظایف و اختیارات دولت را مخصوصاً در ارتباط با حقوق طبیعی و دین مشخص می کند.
- [۱۶] جونز، و. ت، خداوندان اندیشه سیاسی، (ترجمه ی علی رامین)، امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۸ ش، ص ص ۱۲۲ و ۱۲۱.
- [۱۷] لاریجانی، محمد جواد، کاوش های نظری در سیاست خارجی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴ ش، ص ص ۱۱۴ - ۱۰۹ - ۲ - ۱۸۰۴ - ۱۷۲۴ م.
- [۱۸] بیگدلی، علی، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از طالس تا مارکس، ج ۱، ص ۲۱۵.
- [۱۹] (۱۸۱۴ - ۱۷۶۲ م).
- [۲۰] بیگدلی، علی، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از طالس تا مارکس، ج ۱، ص ص ۲۲۰ - ۲۱۷.
- [۲۱] راسل، برتراند، آیا بشر آینده ای هم دارد؟، ص ص ۱۵۴ - ۱۴۴.
- [۲۲] لاریجانی، محمد جواد، کاوشهای نظری در سیاست خارجی، ص ص ۲۳۴ - ۲۳۲.
- [۲۳] ایزدی، بیژن، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۱ ش، ص ص ۶۳ - ۶۱.
- [۲۴] لاریجانی، محمد جواد، کاوش های نظری در سیاست خارجی، ص ۲۶۹.
- [۲۵] این مقاله قبلاً بصورت کنفرانسی در سال های ۱۹۸۹ - ۱۹۸۸ م در دانشگاه شیکاگو ارائه شده بود در تابستان ۱۹۸۹ م در نشریه ی «The National Interest» شماره ی ۱۶ به چاپ رسید. مقاله ی فوکویاما واکنش های فراوانی در کشورهای مختلف دنیا برانگیخت و نویسنده را وادار به پاسخ گویی به آن ها نمود. سرانجام فوکویاما با توضیح و تشریح دیدگاه های خود کتابی تحت عنوان «پایان تاریخ و آخرین انسان» فراهم آورد. وی چند سال قبل، از مشاوران وزارت خارجه ی آمریکا بود.
- [۲۶] غنی نژاد، موسی، پایان تاریخ و آخرین انسان، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مؤسسه اطلاعات، ش ۶۴ - ۶۳، آذرودی ۱۳۷۱ ش، ص ص ۲۸ - ۲۲ - ۴.
- [۲۷] پایان تاریخ زمانی است که انسان به شکلی از جامعه ی انسانی دست یابد که در آن ژرف ترین و اساسی ترین نیازهای بشری برآورده شود.
- [۲۸] پیترز، یان ندروین، فوکویاما و دموکراسی لیبرال: پایان تاریخ، (ترجمه ی پرویز صداقت)، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۸۰ - ۷۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳ ش، ص ص ۴۸ - ۴۲.
- [۲۹] منظور از انقلاب در عملیات با اطلاعات یا انفجار اطلاعات، گسترش روزافزون استفاده از فن آوری اطلاعات در سطح جهان است که منجر به بهم خوردن بسیاری از الگوهای اقتصادی و اجتماعی شد. نمونه های این فن آوری عبارتند از: ارتباطات راه، ماهواره، اینترنت و....
- [۳۰] لاریجانی، محمد جواد، کاوشی های نظری در سیاست خارجی، ص ص ۲۷۲ و ۲۷۱.

[۳۱] اتوپیا (Utopia) یا جامعه‌ی آرمانی، ناکجا آباد: جامعه‌ی کمال مطلوب که از کتابی به همین نام، نوشته‌ی توماس مور (۱۴-۱۵۳۵ م) دانشمند انگلیسی گرفته شده است. توماس مور در این کتاب، کشوری خیالی را که در آن عدالت و مساوات برقرار باشد، توصیف کرده است.

[۳۲] دوست محمدی، احمد، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام (جزوه درسی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ ش، ص ۶۶-۶۵.

[۳۳] الحجرات: ۴۹/۱۳، یعنی: «ای مردم، همانا ما شما را آفریدیم از یک مرد و زن و شما را تیره‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست».

[۳۴] الروم: ۳۰/۳۰، یعنی: «این سرشتی است که خدا انسان را بر آن آفریده است».

[۳۵] الفتح: ۴۸/۲۸.

[۳۶] الاعراف: ۱۵۸/۷.

[۳۷] السبأ: ۳۴/۲۸.

[۳۸] آل عمران: ۳/۱۹.

[۳۹] آل عمران: ۳/۸۵.

[۴۰] الانبیاء: ۱۰۷/۲۱.

[۴۱] البقرة: ۲/۲۰۸. یعنی: ای کسانی که ایمان آوردید، همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید.

[۴۲] آل عمران: ۳/۶۴. یعنی: بگو: ای اهل کتاب بیاید بسوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعض دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت) سرباز زند، بگوئید: گواه باشید که ما مسلمانیم.

[۴۳] سید روح الله، صحیفه نور (مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های حضرت امام خمینی (رحمه الله))، (۲۲جلدی)، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

[۴۴] همان، ج ۲۰، ص ۶۱.

[۴۵] شفیع سروسستانی، ابراهیم، امام خمینی و رسالت جهانی انقلاب اسلامی، ماهنامه موعود، ش ۸، خرداد و تیرماه ۱۳۷۷ ش، ص ۴-۸.

[۴۶] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

[۴۷] همان، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

[۴۸] همان، ج ۲۱، ص ۱۱۴.

[۴۹] آل عمران: ۳/۱۰۹، یعنی: «و برای خداست آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است».

[۵۰] الانعام: ۶/۵۷، یعنی: «حکم (فرمان) تنها از آن خداست».

[۵۱] مانند: الاعراف: ۷/۱۵۸، آل عمران: ۳/۱۹، آل عمران: ۳/۸۵....

[۵۲] دوست محمدی، احمد، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام (جزوه درسی)، ص ۳۳.

[۵۳] الانبیاء: ۲۱/۲۲.

[۵۴] الزمر: ۳۹/۲۹.

[۵۵] السبأ: ۳۴/۲۸، یعنی: «و نفرستادیم تو را مگر برای همه‌ی مردم مؤذنه دهنده و ترساننده».

- [۵۶] الاعراف: ۷/۱۵۸، یعنی: «بگو: ای مردمان، من فرستاده‌ی خدا به سوی همه‌ی شما هستم».
- [۵۷] الروم: ۳۰/۳۰، یعنی: «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن، این سرشتی است که خدا، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش خدا نیست».
- [۵۸] خلیلیان، سید خلیل، حقوق بین الملل اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چ ۳، ۱۳۶۸ ش، ص ص ۲۲۴ و ۲۲۳.
- [۵۹] آل عمران: ۳/۸۵، یعنی: «و هر که بجز اسلام دینی بجوید، هرگز از وی پذیرفته نخواهد شد».
- [۶۰] الاحزاب: ۳۳/۴۰، یعنی: «نیست محمد پدر یکی از مردان شما، بلکه فرستاده‌ی خدا و آخرین پیامبران است».
- [۶۱] سیدقطب، آینده در قلمرو اسلام، (ترجمه‌ی آیت الله سیدعلی خامنه‌ای)، هجرت، قم، ۱۳۴۷ ش، ص ص ۱۹ - ۲۲.
- [۶۲] omanism: (انسان‌مداری) هویت فرهنگی عصر جدید غرب است. بر اساس این اصل، انسان‌مدار و محور همه چیز است و خالق ارزشها و ملاک تشخیص خیر و شر است؛ در واقع انسان جای خدا می‌نشیند و قادر است بدون مد نظر قرارداد دین و ارتباط با ماورای طبیعت مشکلات زندگی و دنیای خود را حل و فصل کند. بر پایه‌ی این اصل، انسان با دو اهرم عقل و علم دیگر نیازی به دین ندارد. بنابراین اومانیسیم که نوعی انسان‌محوری است در مقابل مکتب دین که بر اساس خدامحوری می باشد قرار گرفته است.
- [۶۳] ق: ۵۰/۱۶.
- [۶۴] الانبیاء: ۲۱/۱۰۵.
- [۶۵] النور: ۲۴/۵۵.
- [۶۶] التوبة: ۹/۳۲ و ۳۳.
- [۶۷] القصص: ۲۸/۵.
- [۶۸] عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، (ترجمه‌ی بهاء الدین خرمشاهی)، تهران، ۱۳۷۳ ش، ص ۵۳.
- [۶۹] الانبیاء: ۲۱ / ۹۲. یعنی: همانا این است ملت شما، ملتی یگانه و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید.
- [۷۰] محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۷.
- [۷۱] نظام جهانی (جزوه درسی)، معاونت آموزشی سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۷۲.
- [۷۲] النور: ۲۴ / ۵۵.
- [۷۳] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحارالانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

